

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی یری میسان
برگردان از: سیلویا بیژنیان-Sylvia Bejanian
۲۲ فبروری ۲۰۱۹

نزدیکی پاریس و برلین

موضوع حائز اهمیت: در پس ظاهر متحد و تلاشها برای برقراری صلح ، پاریس و برلین سیاست خارجی و به زودی دفاعی خود را به یک دیگر نزدیک می کنند . در واقع این تحول از مقامات بالا بدون مشورت با مردم صورت می گیرد و کلیه دستاوردهای دموکراتیک پیشین را از بین می برد .

ولتر شبکه / دمشق (سوریه) / ۱۹ فبروری ۲۰۱۹



یکی از پایه های اساسی تشکیل "ملل متحد" آن است که دولت ها و ملتها ، برابر ، مستقل و آزاد باشند . تفاوت آن با "جامعه ملل" که در گذشته وجود داشت همین است . چرا که جامعه ملل پیوسته حاضر به شناختن برابری ملت ها نبوده تا اینگونه بتواند سیستم استعماری را حفظ کند .

در ملل متحد هر دولتی از حقوقی برابر برخوردار می باشد . از این رو برای ایالات متحده امکان پیوستن ۵۰ ایالت فدرال و برای شوروی ۱۵ جمهوری متحد در این سازمان وجود نداشته و تنها این دو کشور فدرال در آن ثبت شده

اند. چرا که با داشتن ۵۰ ایالت از سوی ایالات متحده و ۱۵ جمهوری از سوی شوروی، به ترتیب ۵۰ رأی برای اولی و ۱۵ رأی برای دومی در نظر گرفته می شد در حالی که بقیه کشورها تنها یک رأی داشتند. از آنجائی که فرانسه و آلمان باید ریاست شورای امنیت را در ماه های مارچ و اپریل در دست بگیرند، اعلام کرده اند ریاست شورا را به طور هم زمان خواهند پذیرفت. این موضوع به نظر امکان پذیر می رسد، اما دقیق نیست، چرا که نمایندگان آنها آیا در ارتباط با مسائلی که مطرح خواهد شد از نظر مشترکی برخوردار خواهند بود یا خیر. سیاست خارجی دو کشور نمی تواند مستقل و آزاد عمل کند و متکی به دیگری خواهد بود.

هیچ سازمانی که بر پایه برابری اعضای خود ایجاد شده باشد، نمی تواند در برابر چنین اتحادی دوام بیاورد. این موضوع از سال ۱۹۴۹ با تشکیل سازمان ملل مطرح بوده است. کشورهای عضو متعهد به واکنش مشترک در برابر تعرضاتی هستند که بر یکی از اعضای آنها صورت می گیرد. هر چند برای تحقق این عمل، آنها یک روش سازمانی که تحت امر ایالات متحده می باشد، را پذیرفته اند. ایالات متحده به طور روش مند اعمال مهمی را به عهده گرفته، که یکی از آنها فرماندهی ارشد است (فرماندهی ستاد بزرگ ارتش).

در گذشته، شوروی نسبت به وجود چارچوبی که کشورهای عضو در آن قرار بگیرند و نتوانند در آن آزاد و مستقل باشند، اعتراض نمود. اما شوروی در سال ۱۹۶۸ با تسخیر چکسلواکی به این بهانه که اعضای پیمان ورشو نمی توانند از دکتترین مشترک کمونیستی دور باشند، به همین گونه عمل کرد. امروزه، مکتب توتالیتاریزم شوروی دیگر وجود ندارد، اما توتالیتاریزم ایالات متحده سر جایش باقی است. جنرال دو گل از این که ارتش فرانسه تحت فرمان ایالات متحده باشد از سازمان ناتو خارج شد هر چند در پیمان اتلانتیک شمالی باقی ماند. اما پرزیدنت نیکولا سارکوزی این تصمیم جانانه را گرفت و در سال ۲۰۰۹ کشور فرانسه را به سازمان ناتو تحویل داد.

فرانسه اطمینان خاطر می دهد که ریاست مشترک شورای امنیت با آلمان موقعیت آنها را در سازمان ناتو متحول نخواهد کرد. با این وجود در دوران نیکولا Quai d'Orsay and Wilhelmstrasse سارکوزی، که محل قرار گیری وزارت امور خارجه فرانسه و آلمان می باشد، از تعداد پرسنل خود کاسته و برای سفرای خود مسؤولیت های متفاوتی قائل شده اند.

نزدیکی دو کشور در دوران ریاست جمهوری فرانسوا هولاند و امانوئل مکرون به جهت ایجاد اتحاد نظامی با انگلستان که از سوی ژاک شیراک پایه گذاری شده بود، متوقف گردید. اما با وجود برکسیت لندن و تشکیل متحدان جدیدی برای این کشور، این اتحاد از سر گرفته شد.

احتمال یکی شدن سیاست خارجی فرانسه و آلمان مشکلات متعددی را ایجاد می کند: در حله اول، یکی شدن ارتش دو کشور، در نظر آلن ژوپه در سال ۱۹۹۵، اعتبار آنها زیر سؤال خواهد رفت. چرا که آلمان خواهد توانست در ارتباط با حملات نظامی فرانسه در مقام تصمیم گیرنده باشد. بوندستاگ در سال ۲۰۱۷ به این صورت عمل کرد و موقعیت ولفگانگ ایشینگر، رئیس کنفرانس امنیت در مونیخ این هفته، به این موضوع پرداخت [۱]. به این خاطر امانوئل مکرون به ارتش اروپائی اشاره می کند که متفاوت با پروژه دفاعی اتحادیه اروپا در سال ۱۹۵۴ می باشد. به صورتی که بتواند در نهایت به تشکیل ارتش مشترک فرانسه و آلمان بینجامد. در حله دوم، داشتن سیاست خارجی مشترک نیاز به داشتن منافع مشترک نیز می باشد. پاریس و برلین با ایجاد ارتش مشترک در ساحل و به طور غیر قانونی در سوریه، به این نحو عمل کردند.

به دور از تشکیل کشوری جدید، نزدیکی فرانسه و آلمان می تواند وابستگی خود را به واشنگتن حفظ کند: امروزه این دو ارتش عضو ستاد فرماندهی سازمان ناتو می باشند و تابع فرماندهی ارشدی می باشند که توسط رئیس جمهور

ایالات متحده انتخاب شده است . نباید فراموش کرد که ایالات متحده صلح میان فرانسه و المان را تضمین کرده است . همینطور، چندی پیش، نیروهای ویژه دو کشور به طور مخفیانه در کشور یوگسلاوی سابق، در کنار سرب ها و در کنار کروات ها می جنگیدند . این جنگ زمانی پایان گرفت که واشنگتن نقطه نظر خود را تحمیل کرد . با ایجاد یک تفاهم مشترک، المان و فرانسه از واقعیت های انسانی کشورهای خود شناختی ندارند . ایجاد تفاهم میان این دو ملت، که از سوی دولت های پیشین آنها ایجاد شد و با نزدیک کردن خواسته ها و تفکر دو طرف ، آنها قصد دارند تا سیستم سیاسی جدیدی را به وجود آورند تا از کنترل دموکراتیک خارج شود . با این حال ، مشخص نیست برای چه این دو کشور خود را در این روابط درگیر می کنند ، در حالی که هیچ کدام استقلال ندارد ؟

مراجعات:

[1] ["Ischinger sieht bei Bundeswehr „krassen Nachholbedarf“](#) ,Michael Backfisch ,*Neue Ruhr* ,*Zeitung* ۹ février 2019